

دادخواست اعسار از مهریه (نمونه)

نمونه دادخواست اعسار از مهریه (که توسط زوج، در زمانی که توان پرداخت یکجای مهریه را ندارد، تنظیم می‌شود)

مدارک مورد نیاز دادخواستها

انواع دادخواست، و مدارک لازمه آنها در یک فایل قابل دانلود آماده گردیده است.

آیین نامه نحوه اجرای محکومیت های مالی

شماره ۱۰۰/۱۰۹۳۳۰/۹۰۰۰/۱۸/۶/۱۳۹۹
آیین نامه نحوه اجرای محکومیت های مالی:

در اجرای ماده ۲۸ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴،
"آیین نامه اجرایی نحوه اجرای محکومیت های مالی" به شرح مواد آتی
است.

ماده ۱- اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب
۱۳۹۴ که در این آیین نامه قانون نامیده می‌شود، منوط به احراز
موارد زیر توسط دادگاه است:

1. درخواست محکوم له؛
2. استنکاف محکوم علیه از پرداخت، بدون عذر موجه؛
3. عدم اقامه دعوی اعسار از پرداخت محکوم به در مهلت مقرر در قانون یا عدم معرفی کفیل یا وثیقه گذار پس از انقضاء مهلت؛
4. عدم شناسایی هرگونه مال از محکوم علیه.

ماده ۲- در مواردی که اجرای حکم به وسیله دادسرا انجام می شود، مرجع صدور دستور حبس محکوم علیه، قاضی دادگاه نخستین صادرکننده رأی است.

ماده ۳- چنانچه پس از تقویم محکوم به عین معین، برابر ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی، محکوم علیه حاضر به پرداخت قیمت تعیین شده نباشد، نحوه وصول آن تابع مقررات قانون و این آیین نامه خواهد بود.

ماده ۴- در صورتی که بدهی، تقسیط یا برای پرداخت آن مهلت تعیین شده باشد و محکوم علیه در مهلت یا زمان مقرر بدهی یا هر یک از اقساط را پرداخت نکند، دادگاه تقاضای محکوم له مبنی بر حبس وی را بررسی، چنانچه محکوم علیه دادخواستی جهت تعدیل اقساط یا تمدید مهلت تقدیم نکرده باشد و عذر موجهی جهت عدم پرداخت نداشته و مستنکف بودن وی احراز گردد، تا پرداخت بدهی یا اقساط به دستور دادگاه حبس می شود.

تبصره - چنانچه پرداخت در مهلت مقرر یا اقساط به علل موجه، خارج از توان مالی محکوم علیه باشد و دادخواست تعدیل اقساط یا تمدید مدت تقدیم شود، دادگاه در اسرع وقت به آن رسیدگی تا از حبس وی خودداری گردد. همین حکم جاری است در صورتی که محکوم به تقسیط شده عین معین بوده و به لحاظ افزایش نامتعارف قیمت، انجام آن خارج از توان مالی محکوم علیه باشد.

ماده ۵- چنانچه پس از درخواست اعمال ماده ۳ قانون، محکوم له به نحو کتبی درخواست اعطای مهلت به محکوم علیه، عدم حبس و یا آزادی وی را از دادگاه بنماید، دادگاه درخواست محکوم له را می پذیرد و بر اساس آن اقدام می کند.

ماده ۶- جهت تسریع و تسهیل اجرای ماده ۱۹ قانون، مرجع اجراکننده، اعم از مراجع قضایی و ثبتی باید هر گونه مکاتبه با بانک مرکزی و سایر مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در خصوص اموال محکوم علیه دارند، جهت اخذ اطلاعات اموال و حساب اشخاص به منظور انسداد حساب یا رفع انسداد را از طریق سامانه الکترونیکی قوه قضاییه انجام دهند و در صورت عدم امکان استفاده از سامانه مزبور، مراتب از طریق غیر الکترونیکی انجام می شود.

ماده ۷- مرکز آمار و فناوری اطلاعات موظف است با همکاری مراجعی که اطلاعات مورد نیاز برای اجرای مقررات قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی را در اختیار دارند، امکان انجام الکترونیک استعلام ها و مکاتبات مراجع قضایی را فراهم نماید.

ماده ۸- اعمال مجازات ماده ۲۰ قانون رافع تکلیف اجرای احکام و سازمان های متخلف در اجرای دستور دادگاه یا رییس واحد ثبتی یا ادارات اجرای ثبت نیست و امر مذکور باید به فوریت اجرا شود.

ماده ۹- بمنظور ساماندهی و تسریع در امور مربوط به وصول محکومیت های مالی تقسیط شده، از قبیل محکومیت به پرداخت مهریه، ارزش ریالی دیه و وجه چک، چنانچه محکوم علیه از کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکت های دولتی، شهرداری ها، بانک ها، شرکت ها، بنگاه های خصوصی و نظایر آن بوده و استیفای محکوم به از طرق مذکور در قانون ممکن نگردد، واحدهای اجرای احکام در اجرای ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی و با رعایت تبصره های آن، ضمن ارسال مشخصات محکوم علیه و محکوم له مطابق فرم های ضمیمه، برابر ماده ۹۷ قانون یاد شده به مرجع پرداخت کننده حقوق و

مزایای محکوم علیه ابلاغ نمایند و جوه مربوط را طبق حکم قطعی صادره تا سقف مبلغ مقرر در حکم (ارزش محکوم به) با احتساب نیم عشر اجرایی، ماهانه یک چهارم از حقوق محکوم علیه دارای زن یا فرزند و یک سوم از حقوق وی در صورت فقدان زن یا فرزند بطور مستقیم کسر و حسب مورد به حساب محکوم له و صندوق دولت (خزانه) واریز و فهرست واریزی ها را به ضمیمه مستندات مربوط برای درج در پرونده به مرجع قضایی ذیربط ارسال دارند.

تبصره - در مورد کارکنان مذکور که حقوق و مزایای آنان برداشت می شود، دادگاه در صدور حکم تقسیط و تعیین اقساط، کسر حقوق محکوم علیه را مورد ملاحظه قرار می دهد تا موجب عسر و حرج وی نگردد.

ماده ۱۰- در صورتیکه در حین اجرای حکم اموالی از محکوم علیه شناسایی گردد، برابر تبصره ۱ ماده ۱۱ قانون و ماده ۹۸ قانون اجرای احکام مدنی، اجرای این آیین نامه مانع استیفای بخش اجرا نشده آن از اموال یا مطالبات شناسایی شده نخواهد بود.

ماده ۱۱- در صورتی که اموال شناسایی شده برای استیفای محکوم به توقیف گردد و برای استیفای آن کافی باشد، باید بلافاصله دستور توقیف و کسر حقوق و مزایای محکوم علیه موقوف و مراتب به مرجع ذیربط اعلام گردد.

ماده ۱۲- مهلت مقرر در ماده ۳ قانون جهت اقامه دعوی اعسار از محکوم به، از تاریخ ابلاغ اجراییه محاسبه می شود و این مهلت نافی تکلیف محکوم علیه، مندرج در ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ نخواهد بود.

تبصره - در محکومیت به پرداخت دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال یا امثال آن، مهلت مقرر در ماده ۳ قانون از تاریخ ابلاغ

اخطاریه ای است که توسط قاضی اجرای احکام کیفری صادر می شود. در خصوص دیه رعایت مهلت های قانونی آن الزامی است.

ماده ۱۳- مدعی اعسار باید صورت کلیه اموال خود و هر نوع تغییر در اموال مذکور از یک سال قبل از طرح دعوی اعسار را برابر ماده ۸ قانون به ضمیمه دادخواست اعسار به دادگاه تقدیم کند. در غیر این صورت، دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

ماده ۱۴- در صورت قطعیت حکم اعسار محکوم علیه، از تأمین موضوع تبصره ۱ ماده ۳ قانون رفع اثر می شود.

ماده ۱۵- پس از صدور حکم به رد دعوای اعسار از پرداخت محکوم به، تقدیم مجدد دادخواست مانع از حبس محکوم علیه نخواهد بود، مگر با صدور حکم جدید اعسار که در این صورت از حبس وی خودداری و در صورت حبس، آزاد می شود.

ماده ۱۶- پس از صدور حکم اعسار یا اعطای مهلت جهت پرداخت، چنانچه محکوم علیه در حبس باشد، بلافاصله آزاد می شود و عدم قطعیت رأی مانع آزادی محکوم علیه نیست.

ماده ۱۷- پس از صدور حکم تقسیت، چنانچه محکوم علیه مبادرت به پرداخت قسط مقرر کند، بلافاصله از زندان آزاد می شود و عدم قطعیت مانع آزادی وی نیست.

تبصره - چنانچه مرجع قضایی در مقام رسیدگی به دعوی اعسار، میزان مشخصی از مال و یا مبلغ مشخصی را به عنوان پیش قسط یا اقساط تعیین کند و محکوم علیه به سبب امتناع از پرداخت بازداشت شود، در صورتی که محکوم علیه مالی معرفی نماید و یا مالی از وی به دست آید که امکان استیفاء مال یا مبلغ تعیین

شده امکان پذیر باشد، به دستور قاضی مجری حکم بلافاصله آزاد می گردد.

ماده ۱۸- در مواردی که محکوم علیه دارای محکومیت های مالی متعدد باشد، باید برای هر یک از محکومیت ها، دادخواست اعسار جداگانه تقدیم نماید، مگر در مورد محکومیت هایی که محکوم له آن واحد است که در این صورت صدور حکم اعسار یا تقسیط محکوم به نسبت به احکام دیگر بین آن دو شخص نیز جاری خواهد بود.

ماده ۱۹- خسارت های مذکور در ماده ۱۲ قانون، خسارت های ناشی از اقامه دعوی اعسار است که به خواننده این دعوی وارد می شود، مانند هزینه دادرسی، حق الوکاله برابر تعرفه که در سامانه درج شده و هزینه ایاب و ذهاب شهود.

ماده ۲۰- منظور از دادگاه در ماده ۱۶ قانون، دادگاه کیفری ۲ یا دادگاهی است که وظیفه آن را انجام می دهد.

ماده ۲۱- اثبات رفع عسرت از محکوم علیه، مستلزم اقامه دعوا است. به این دعوا خارج از نوبت رسیدگی می شود.

ماده ۲۲- در صورتی که محکوم علیه به اعتبار پرونده کیفری یا به اعتبار تبصره یک ماده ۳ قانون دارای تأمین باشد، اخذ تأمین مضاعف برای دادخواست اعسار خارج از مهلت، یا رفع ممنوع الخروجی مجاز نیست.

ماده ۲۳- محکوم له می تواند در تمامی مراحل رسیدگی به دعوی اعسار، با معرفی مال محکوم علیه نسبت به استیفای حقوق خود اقدام کند.

ماده ۲۴- صدور حکم ورشکستگی تاجر به منزله صدور حکم اعسار در دعاوی مدنی است و مانع حبس ورشکسته بابت عدم تأدیه محکوم به می شود. وصول مطالبات اشخاص در صورت اخیر برابر مقررات مربوط می باشد.

ماده ۲۵- اعزام زندانیان مشمول قانون به مراکز درمانی خارج از زندان در موارد ضرورت و همچنین اعطای مرخصی به آنان با اخذ تأمین متناسب، به تشخیص و بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری است. هر یک از این اقدامات به اطلاع دادگاهی که حکم زیر نظر آن اجرا می شود، خواهد رسید.

تبصره - به منظور فراهم شدن موجبات پرداخت محکوم به، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند هر سه ماه یک نوبت با اخذ تأمین از محکوم علیه، حداکثر به مدت ۱۰ روز به وی مرخصی اعطاء نماید. مراتب به اطلاع دادگاه صادرکننده حکم خواهد رسید. در صورت پرداخت قسمتی از محکوم به در مدت مرخصی، مدت یاد شده به تشخیص قاضی اجرای احکام کیفری قابل تمدید است. همچنین، برای حضور در جلسات دادگاه به محکومانی که امکان استفاده از مرخصی دارند، با اخذ تأمین مرخصی اعطا گردد تا لزومی به اعزام و بدرقه آنان که ممکن است به عللی موجب اطاله رسیدگی گردد، خودداری شود.

ماده ۲۶- تشخیص مصادیق مستثنیات دین مذکور در ماده ۲۴ قانون و کم و کیف آن با رعایت عرف و اوضاع و احوال فعلی شخص، با دادگاه مجری حکم است. دادگاه می تواند در صورت نیاز موضوع را به کارشناس ارجاع نماید.

تبصره - از آنجا که یارانه به افراد کم درآمد جامعه پرداخت می گردد، در صورتی که توقیف آن موجب اخلاص در امور زندگی آنان گردد، قضات اجرای احکام از توقیف و برداشت آن به نفع محکوم له خودداری نمایند. در هر حال، توقیف و برداشت آن منحصر به یارانه

ای است که به شخص محکوم تعلق می‌گیرد و تسری به سایر اعضای خانواده ندارد.

ماده ۲۷- محکوم علیه می‌تواند با رضایت خود مالی را که جزء مستثنیات دین است جهت استیفاء محکوم به معرفی نماید.

ماده ۲۸- این آیین نامه به پیشنهاد وزارت دادگستری در ۲۸ ماده و ۶ تبصره در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۱۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

رئیس قوه قضائیه - سیدابراهیم رئیسی

قانون مستثنیات دین

ماده ۲۴

مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

الف - منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم^{*} علیه در حالت اعسار او باشد.

ب - اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم^{*} علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.

ج - آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره میشود.

د - کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها.

ه - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است.

و - تلفن مورد نیاز مدیون.

ز - مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت میشود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.

تبصره ۱ - چنانچه منزل مسکونی محکوم^۱ علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد و مشار^۲ الیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود تحت نظارت مرجع اجراءکننده رأی نباشد، به تقاضای محکوم^۳ له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته (مزایده) و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم علیه خواهد شد. مگر اینکه استیفای محکوم به به طریق سهلتری مانند استیفاء از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم علیه یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان پذیر باشد. که در این صورت محکوم^۴ به از طرق مذکور استیفاء خواهد شد.

تبصره ۲ - چنانچه به حکم قانون، مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرحهای عمرانی تبدیل به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، وصول محکوم^۵ به از آن امکان پذیر است مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد.

قسطی کردن مهریه

قسطی کردن مهریه !

از زمان جاری شدن عقد ازدواج، مهریه از جانب زوجه قابل مطالبه است (عندالمطالبه). و در صورتی که زوج توان مالی پرداخت آن را نداشته باشد، قسط بندی شده و باید به صورت اقساطی پرداخت شود.

برای آنکه مهریه قسط بندی شود، زوج باید دادخواست اعسار از پرداخت مهریه داده و بتواند اعسار خود را در دادگاه به اثبات برساند.

اگر زوج توانایی پرداخت مهریه را نداشته باشد، چه باید بکند؟

اگر زوج توانایی پرداخت مهریه را نداشته باشد، چه باید بکند؟

مهریه از جمله دیونی است که زوج باید آن را هر زمان که زوجه درخواست کند بپردازد، اما اگر زوج توانایی پرداخت یکباره مهریه را نداشته باشد می‌تواند از دادگاه تقاضای تقسیط مهریه را نماید.

ماده قانون:

مطابق با قانون و به تجویز تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، زوج می‌تواند دادخواست تعدیل اقساط را به دادگاه تقدیم کند.

دادگاه، با توجه به نرخ تورم، بر اساس اعلام مراجع رسمی قانونی کشور یا تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم^۱ علیه نسبت به تعدیل میزان اقساط اقدام می‌کند.

گرفتن مهریه از مادر شوهر امکان پذیره؟

آیا گرفتن مهریه از مادر شوهر و پدر شوهر امکان پذیر است؟

☞ مهریه، یکی از حقوق مالی زنان، در عقد ازدواج است و به طور معمول، مرد، در هنگام عقد نکاح، پرداخت آن را تعهد می‌کند که نحوه پرداخت مهریه تعهد شده، می‌تواند، به صورت عندالاستطاعه یا عندالامطالبه باشد.

☞ در پاسخ به پرسش "آیا گرفتن مهریه از مادر شوهر و پدر شوهر امکان پذیر است یا خیر؟" باید گفت، بله، در شرایط بخصوصی، قانون گذار، امکان دریافت مهریه از والدین همسر را پیش بینی کرده است و آن امکان، ناظر به زمانی است که یکی از آن‌ها یا هر دو والدین

همسر، پرداخت مهریه زن را ضمن عقد نکاح، تعهد کرده باشند.

با این توضیح که اساساً، الزامی نیست که زوج، پرداخت مهریه را تعهد کند و هر شخص دیگری، اعم از والدین زوج، یعنی، پدر شوهر و مادر شوهر نیز می توانند، پرداخت مهریه زن را تعهد کرده و در این صورت، شخصی که دادن مهریه را بر عهده گرفته، مسئول پرداخت خواهد بود و دعوی مطالبه مهریه، باید به طرفیت او، مطرح گردد.

در صورتی که شوهر، مسئولیت پرداخت مهریه را بر عهده دارد و پدر شوهر و مادر شوهر، پرداخت مهریه را تعهد نکرده باشند و با در نظر گرفتن این فرض که شوهر، معسر از پرداخت مهر است و با ثبت دادخواست اعسار، تقاضای تقسیط مهریه را دارد، حتی اگر پدر شوهر و مادر شوهر، اموال زیادی داشته باشند، چون پرداخت مهر را تعهد نکرده اند، نمی توان، اقدام به مطالبه مهریه، از آن ها نمود.

شرایط بخصوصی، امکان گرفتن مهریه از پدر شوهر و مادر شوهر، وجود دارد؛

1- اولین و مهم ترین شرط از شرایط دریافت مهریه از پدر شوهر و مادر شوهر، این است که هر یک از آن ها یا هر دوی آن ها، مسئولیت پرداخت مهریه را تعهد کرده باشند.

2- دومین شرط، این است که در صورت عندالاستطاعه بودن مهریه تعهد شده از جانب پدر شوهر و مادر شوهر، آن ها، توان مالی کافی برای پرداخت مهریه را داشته باشند.